

## بسم الله الرحمن الرحيم

## نکاتی از سخنرانی پنجشنبه، ۱۶ دی ۱۳۹۵

## آیه مورد بحث

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

## کمال فضایل انسانی در وجود پیامبران و اولیای الهی سلام الله علیهم اجمعین

خدای متعال پیامبران و اولیای خود سلام الله علیهم اجمعین را برای بندگانش فرستاده است. همه‌ی این بزرگواران دارای مقام عصمت هستند. معنی عصمت این است که در مأموریتی که ایشان از سوی حق تعالی برای هدایت مردم دریافت کرده‌اند، هیچ نوع خلل و قصور و تقصیری واقع نشده است و نمی‌شود. جهل و نادانی یک نوع قصور است که ارواح مقدسه‌ی ایشان، نسبت به آن مأموریتی که دارند، مبرا و دور از آن است. همین وضعیت نسبت به سایر ضدارزش‌ها و صفات رذیله وجود دارد. به عبارت دیگر، به آن مقداری که امکان دارد حق تعالی در ممکنات، ظرفیت ایجاد کند تا ظرفیت پذیرش تمام فضایل را داشته باشند، به آن‌ها عطا می‌کند.

همه‌ی انبیا و رسل سلام الله علیهم واجد فضیلتی بوده‌اند که امت ایشان امکان دریافت آن فضایل را داشته‌اند، اما از آنجا که تدریجاً روح و استعداد مردم قوی‌تر شده، فضایل آن بزرگواران هم از سوی حق تعالی بیش‌تر شده است. به دلیل این‌که اعتبار دین مقدس اسلام نهایت ندارد، فضیلتی که در وجود معصومین این دین مقدس هست، در حد امکانی کامل است، و اگر خدای متعال کم‌تر از این مقدار که ظرفیت این بزرگواران ایجاب می‌کرده است به آن‌ها عطا کند، نعوذ بالله تقصیری از سوی حق تعالی محسوب می‌شود که قادر به انجام این کار بوده، اما آن‌را انجام نداده است. حال آن‌که حق تعالی از آن‌چه مقتضای علم و مقتضای قدرت و مقتضای رأفت و مقتضای حکمت است، هیچ کوتاهی نفرموده و کمال آن را عطا فرموده است. هر اندازه که عمر جامعه بشری طولانی شود، این بزرگواران از سوی حق تعالی قدرت مدیریت انسان‌ها در دنیا را دارند.

در این آیه‌ی شریفه خدای متعال می‌فرماید: ما برای مردم وجود مقدس رسولان حق تعالی و کتاب فرستاده‌ایم. حداقل حکمت فرستادن کتاب این است که بایستی احکام خدای متعال و قانون او تثبیت شده، باشد. قانون با بیان تشبیه نمی‌شود، بلکه بایستی کتابت شود تا ثابت باقی بماند. از آیه‌ی کریمه‌ی «نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» به این نکته منتقل می‌شویم که حکمت خدای متعال اقتضاء کرده و او اراده فرموده است که این کتاب بزرگ و مبارک را به صورت کامل و واقعی از گزند حفظ کند.

## عملکرد وجودات مقدسه‌ی انبیا و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین، وسیله‌ی سنجش

کلمه‌ی «میزان» که در آیه‌ی شریفه آمده، به معنی ترازو است. ترازو وسیله‌ی سنجش است. اگر انسان بخواهد وزن معین از چیزی را اندازه‌گیری کند از ترازو استفاده می‌کند. در سنن دینی ما آمده است که اگر انسان می‌خواهد چیزی را به دیگری تحویل دهد کمی بیش‌تر بدهد، و اگر می‌خواهد چیزی را تحویل بگیرد، کمی کم‌تر بگیرد. این عملکرد مستحب است. حد واجب و الزامی، این است که انسان کم‌تر از حق دیگران به آن‌ها ندهد و بیش‌تر از حق خود از آن‌ها دریافت نکند.

در این آیه‌ی کریمه، از لفظ میزان معنی فیزیکی این لغت -یعنی ترازو- اراده نشده، بلکه معنی عام آن، یعنی وسیله‌ی سنجش اراده شده است. این آیه به عملکرد وجودات مقدسه‌ی انبیا و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین اشاره می‌کند. در اندازه‌گیری بدی‌ها و بیان رذایل اخلاقی، انسان‌ها سلاقی مختلفی دارند و هر کس به گونه‌ای این موارد را تعبیر می‌کند. این کار اشتباه است و بایستی اندازه‌گیری بدی‌ها و خوبی‌ها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها طبق همان میزان الهی که وجودات مقدسه‌ی انبیا و اولیاء سلام الله علیهم اجمعین هستند، صورت گیرد. اگر کسی به خاطر کم‌دانشی و کم‌علمی خودش از سلیقه‌اش چیزی به آن اضافه کرد، اشتباه کرده و راه غلطی را پیموده است.

اگر انسان متوجه شده باشد که موازین حق تعالی یعنی اولیای خدا و معصومین سلام الله علیهم اجمعین، در تشخیص تمام فضایل و تمام رذایل، در انجام دادن عبادات و در ترک لذت‌های مشروع دنیوی، خاصیت میزان و وسیله‌ی سنجش دارند، باید طبق

آن موازین عمل کند. خدای متعال در آیه‌ای از قرآن کریم از انسان‌هایی که حلال‌های دین را بر خودشان حرام کرده بودند، یعنی از آن‌ها استفاده نمی‌کردند، انتقاد می‌کند. حکمت حق تعالی اقتضاء کرده بود که امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه با آن سه نفر همکاری کند. در روایتی آمده است که روزی همسر یکی از آن سه نفر به عایشه مراجعه کرد. عایشه متوجه شد که او مانند سایر خانم‌های جوانِ عفیف و نجیب، ظاهر آراسته‌ای ندارد. دختر ابوبکر، مطلب را به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منتقل کرد. آیه‌ی کریمه به حضرت نازل شد و حضرت به مسجد تشریف بردند و فرمودند که مردم را جمع کنند. در آن زمان رسم بود شخصی مانند بلال چند بار با صدای بلند می‌گفت: ((الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ))، مردم می‌شنیدند و به مسجد می‌آمدند.

حضرت با قرائت آیه‌ی کریمه، نسبت به چهار نفری که اسامی آن‌ها هم ذکر شده است فرمودند: این افراد حق ندارند که لذت‌های مشروع دنیایی را که در آن لذت‌ها همسر آن‌ها هم شریک است، بر خود حرام کنند. علت فقهی این دستور، این است که انسانی که به عنوان مثال تصمیم گرفته با نخوردن غذای لذیذ و خوب، با نفس خود مبارزه کند، مجاز نیست حق سایر افراد خانواده‌ی خود را ضایع کند و آن‌ها را هم در محرومیت قرار دهد. اگر این فرد تنها بود و همسر و فرزند نداشت، کم‌تر خوردن او امکان‌پذیر بود. هنگامی که به آن چند نفر اعلام شد که این کار شما مورد رضا و پسند حق تعالی نیست، آن‌ها هم تصمیم گرفتند که زندگی عادی خود را از سر بگیرند.

### آشنایی با فرهنگ اسلام و فراگرفتن سنن، با مراجعه به میزان‌های الهی

میزانی که خدای متعال برای همه‌ی انسان‌ها تا آخر قرار داده است، این چهارده بزرگوار هستند. انسان‌ها در زندگی کردن، در معاشرت کردن، در اخلاق، در محبت کردن، در عداوت و دشمنی کردن و تشخیص این‌که با چه کسی محبت کنند و با چه کسی عداوت و دشمنی کنند، در گذشت و این‌که چه مقدار گذشت داشته باشند، در مسامحه و این‌که در چه اموری بتوانند مسامحه کنند، میزان و ترازو لازم دارند. ترازوی این امور معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین هستند. اگر ما از خصوصیات و ویژگی‌های عملکرد این ترازوها اطلاع نداریم، خود ما مقصریم و روز قیامت هم جوابی برای گفتن نداریم. ما فرصت‌های خالی بسیاری در عمر خود داشته‌ایم که می‌توانستیم از آن فرصت‌ها استفاده کنیم و با مراجعه به این موازین و میزان‌های شرعی و الهی که دارای عصمت هستند، آن‌چه مورد نیاز است را فراگیریم تا بدین ترتیب دریابیم که چه قدر معاشرت کنیم، چه قدر تفریح کنیم، چه قدر بخوریم و چه قدر نخوریم.

در فرمایشات امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه به ریز مسائل زندگی که ظاهراً جزء الزامیات شرعی، یعنی واجبات و محرمات هم نیست اشاره شده است. سایر ائمه‌ی طاهریین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین نیز به این سنن اشاره فرموده‌اند. این بزرگواران معیار معرفت‌الله و دین‌شناسی هستند. ایشان معیار سعادت‌مندی و شقاوت‌مندی هستند. میزان و ترازو بودن این بزرگواران در همه‌ی جهات است و چیزی در اسلام ناقص گذاشته نشده است تا مردم در دسر پیدا کنند و سرگردان شوند و نتوانند آن‌چه را که مورد رضای حق تعالی است پیدا کنند.

در روایتی از حضرت صادق صلوات‌الله‌علیه آمده است، که اگر انسان لباسی را که برای بیرون منزل و حضور در جامعه مناسب است، در خانه هم بپوشد خلاف کرده است. شخصی از حضرت سوال کرد که یابن رسول الله، من چند لباس دارم. آیا من اسراف‌کننده هستم؟ حضرت فرمودند: اگر هر یک از این لباس‌ها مناسب کار و وضعیتی در زندگی تو باشد، خلاف نکرده‌ای. این بزرگواران میزان هستند. اگر دستورات دین اسلام غیر از این بود، مردم دنیا به سادگی به آن متمایل نمی‌شدند. اعتقاد قطعی بنده این است که کم‌رغبت شدن اکثر افراد، حتی مسلمان‌ها، نسبت به دین، به علت بی‌اطلاعی آن‌ها از احکام دین است. هیچ ضابطه و قانونی نیست که به اندازه‌ی اسلام، ابعاد زندگی را مورد نظر داشته باشد، و مناسب با هر بُعدی، حکمی برای آن ذکر کرده باشد.

اگر کتاب‌های قانونی، کتاب‌های اخلاقی و کتاب‌های مربوط به سنت که ما در اختیار داریم، به زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شود و بین آن مردم توزیع شود، اثرات بسیار عجیبی خواهد داشت. متأسفانه در این زمان غیبت، تاکنون مسلمین به این فکر نیفتاده‌اند که آن‌چه را که حق تعالی به ایشان عطا کرده است در یک قالب ملایم به غیرمسلمانان منتقل کنند. اگر این انتقال صورت گیرد، آن‌ها علاقه‌مند می‌شوند.

بنابر روایت، امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه هنگام بازگشت از سفری به سمت کوفه با فرد دیگری هم مسیر شدند. پس از رسیدن به دو راهی، حضرت چند قدم او را در مسیر حله مشایعت کردند و سپس به راه خود بازگشتند. او که فردی مسیحی بود حضرت را نمی‌شناخت و از دین ایشان هم بی‌اطلاع بود. هنگامی که متوجه شد حضرت داماد پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علیه و آله هستند و به دستوری از دستورات اسلام عمل می‌کنند اسلام اختیار کرد. هیچ جای دنیا این ادب رعایت نمی‌شود. البته بعضی از بزرگان قدیم، مانند مرحوم حاج میرزا حسن تبریزی مصطفوی کتاب‌فروش که از اولیای خدا بود، به این سنت عمل می‌کردند. متأسفانه ما از این دین به مقدار کافی اطلاعات نداریم. در نتیجه فرزندان ما با دعوت شیطان، به یکی از ادیان یا سنت‌ها یا ملیت‌ها یا احزاب متوجه می‌شوند، زیرا از محاسن و فضیلتی که دین اسلام مملو از آن‌ها است بی‌اطلاع هستند.

امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه یکی از موازین هستند که جنگ حضرت، صلح‌شان، گذشت‌شان و انتقام‌جویی ایشان معیار دارد. اصول این معیارها از قرآن کریم جریان پیدا کرده و سپس در روایات و اخبار توسعه پیدا کرده و منتشر شده است. خدای متعال پیامبر خود صلوات‌الله‌علیه و آله را که یکی از همان معیارها است، با دو جمله معرفی می‌کند: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، مقام رسالت با مخالف، قاطع برخورد می‌کند، ولی با مسلمان گذشت و مسامحه و رأفت دارد، «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». این نکته از فرهنگ‌های انسانی و الهی است.

### رابطه‌ی انسانیت و فرهنگ الهی

میزان بودن این بزرگواران از جهات مختلف است. روایاتی که در مورد سنن و آداب انسانی و اسلامی وجود دارد به مراتب زیادتر از روایاتی است که در مورد ابواب فقه، در شصت و دو کتاب جمع‌آوری شده است. عملکرد ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه در روز عاشورا یک عملکرد فلسفی و منطقی محض نبود، بلکه بُعد احساسی و آدابی و فرهنگی آن بسیار بیش‌تر از آن بعد فقهی و فلسفی و توحیدی‌اش بود. زیرا اکثر مردم از این سرمایه، یعنی احساس و فرهنگ، برخوردارند، اما افراد کمی از منطوق و برهان و فلسفه بهره‌مند هستند تا انسان بتواند با آن زبان با ایشان صحبت کند.

در نتیجه‌ی یک سری از کارهای ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه که اموری احساسی بود، می‌توان انسان نبودن لشگر عمر سعد را احراز کرد. کسی که انسانیت ندارد، نمی‌تواند دین داشته باشد. انسانیت است که انسان را به خداشناسی و داشتن فرهنگ الهی هدایت می‌کند. اگر انسانیت و عواطف نباشد، هیچ فضیلتی از فضایل به فرد رو نمی‌آورد. شیطان هم هنگامی که می‌خواست برای اهل بیت صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین دشمن درست کند، در بین افراد گمراه جستجو می‌کرد و غیر انسان‌ها، اشقیاء، کسانی که رأفت نداشتند، گذشت نداشتند و بین کوچک و بزرگ، و پیر و جوان، طفل شیرخوار و انسان بالغ فرقی قائل نبودند، را برمی‌گزید. در دنیای کنونی افراد نادری تا این حد شقی هستند و آن‌ها به همین رؤسای ابرقدرت‌ها محدود می‌شوند. عملکرد آن‌ها نشان می‌دهد که نه تنها دین ندارند، بلکه انسانیت هم ندارند و فرمان کشتن افراد بی‌گناه را به سادگی صادر می‌کنند. این افراد اگر در زمان معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین حاضر بودند، مانند عمر سعد و شمر و سایر اشقیاء عمل می‌کردند.

اکثریت مردم دارای این سرمایه الهی یعنی احساس صحیح منطقی هستند. خدای متعال به عنوان میزان از خزانه‌ی غیب، افرادی را خلق کرده و در اختیار ما قرار داده است و ما می‌توانیم از این گروه، یعنی معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین درس بگیریم. بدین ترتیب بدون نیاز به شرکت در کلاسهای درس رسمی، ما می‌توانیم با حضور در مجالس روضه با حقایقی لطیف از دین الهی آشنا شویم و بهره ببریم.

### خداشناسی با مطالعه ادعیه و مناجات‌ها

قوت و قدرت تفهیم و سازندگی هیچ مکتبی به اندازه‌ی مکتب اهل بیت صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین نیست. انس با فرمایشات ایشان، انس و اطلاع از عملکردشان، نمونه‌ای از انسانیت و توحید را معرفی می‌کند که در هیچ مکتب دیگری وجود ندارد. از خداشناسی تا دستورات در امور زندگی را به ما آموخته‌اند. چه‌گونه خدای متعال را بشناسیم و تا کجا حق داریم در مورد حق تعالی فکر کنیم؟ روایات بسیار داریم که حق ندارید در مورد ذات حق تعالی فکر کنید. بلکه باید در صفات و افعال او فکر کنید. اگر می‌خواهید خدای متعال را بشناسید و به او محبت پیدا کنید، به مناجات‌های معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین مراجعه کنید. در این مناجات‌ها اولیای الهی تمامی محبت‌ها و الطاف و خوبی‌ها و دست‌گیری‌های بشر را ذکر کرده‌اند. قهراً با این مطالعه،

انسان به خدایی که چنین ویژگی‌هایی دارد علاقمند می‌شود. ما در زندگی خود هم همین‌گونه هستیم و اگر متوجه لطف دیگری نسبت به خود شویم، به او علاقمند می‌شویم.

خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ»، مراقب باشید که کوچک‌ترین علاقه‌ای به دشمن خود و دشمن خدای متعال پیدا نکنید، زیرا جهنمی می‌شوید؛ «فَمَا تَمَسَّكُمُ النَّارُ». علاقه پیدا کردن به افرادی که مظهر بدی‌ها و مظهر فسق و ضد ارزش‌های انسانی-الهی هستند، بد است. دشمنان حق تعالی می‌دانند از چه راهی ما را بفریبند و جذب خود کنند. یکی از این راه‌ها این است که اتوموبیل‌های رنگارنگ و جذاب را در اختیار ما می‌گذارند.

به شخصی که خود را بسیار متدین می‌دانست و مدعی مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب بود، گفتم: اگر امکانات مالی شما اجازه می‌داد که به جای این اتوموبیل ایرانی ارزان قیمت که اکنون در اختیار دارید، از این خودروهای خارجی زیبا تهیه کنید، این کار را می‌کردید؟ پاسخ داد که حتماً یکی از آن‌ها می‌خریدم. به او گفتم: بدین ترتیب شما فرهنگ و تبلیغات دشمنان اسلام را قبول کرده‌اید و اسیر آن شده‌اید، چگونه می‌خواهید با فرهنگ‌های وارداتی مبارزه کنید؟ باید عملکرد انسان‌ها را نگاه کرد تا دریافت که آیا دل آن‌ها به هر طرف پرواز می‌کند، یا در توحید استقرار پیدا کرده است؟

### وظیفه انسان در کسب روزی با توجه به فرمایش امام حسن عسگری صلوات‌الله‌علیه

از امام عسگری صلوات‌الله‌علیه چنین نقل شده است: «لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ». «لا يَشْغَلُكَ»، نهی است. روزی ما از سوی حق تعالی تضمین شده و برای ما تثبیت شده است و ما نیاز به دوندگی برای رسیدن به آن نداریم. ما باید کار کنیم و بی‌کار نباشیم، اما نباید گمان کنیم که روزی ما نتیجه‌ی کار کردن ما است. حتی بعضی افراد که لباس روحانیت به تن دارند این آیه‌ی قرآن را اشتباه معنی می‌کنند. معنی «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» را این‌گونه بیان می‌کنند، که هرچه بیشتر تلاش کنی، پول بیشتری به دست می‌آوری. روایات بسیار از جمله همین فرمایش حضرت عسگری صلوات‌الله‌علیه با این نوع معنی کردن مخالفت دارد. «لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ»، یعنی روزی‌ای که از طرف حق تعالی تضمین شده است، شما را باز ندارد، از این‌که به دنبال کاری بروید که فرض کرده‌اید که این کار موجب وسعت رزق شما می‌شود.

در روایات وسایل وسعت رزق از قبیل دعاها، آیات و سوری ذکر شده است. ما این مطلب را می‌پذیریم چون از معصوم صلوات‌الله‌علیه نقل شده است. ما حق نداریم از خودمان برای این مسئله توجیه درست کنیم. اگر ما از شیعیان این بزرگواران بودیم یعنی صددرصد مقید بودیم که در زندگی از ایشان پیروی کنیم، حتماً نود درصد مشکلات زندگی ما رفع می‌شد. زیرا نود درصد مشکلات ما به خاطر نسیان و غفلت از یاد حق تعالی و از میزان، یعنی از مقام معصوم صلوات‌الله‌علیه است. این غفلت موجب می‌شود که برای کسب روزی دوندگی کنیم. این نقص توحید و ضعف خداپرستی و معرفت الله است.

این میزان یعنی معصوم سیزدهم از معصومین صلوات‌الله‌علیه، می‌فرماید: «لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ»، عملی که در نظر گرفتی، فرض کردی و طراحی کردی، تو را مشغول نکند. به فردی که مقروض بود توصیه کردم که ادعیه‌ای که از معصومین صلوات‌الله‌علیهم اجمعین برای ادای دین نقل شده است، را طبق دستور مربوطه بخواند. البته ممکن است مصلحت فردی نباشد، که خدای متعال حاجت او را برآورده کند.

در دوران کودکی، مرحوم پدرم رضوان‌الله‌تعالی‌علیه من را به حرم آقاسیدعبدالعظیم می‌برد. در بازگشت نیم ساعتی در مغازه عطاری آقا سیدی که لباس روحانیت می‌پوشید، می‌نشستیم. پدرم از قول او چنین نقل می‌کرد: پسر هفده-هجده ساله‌ام مریض شد و هرچه به ائمه‌ی طاهرین صلوات‌الله‌علیهم اجمعین توسل پیدا کردیم خوب نشد. نیمه شبی متوسل به امام زمان صلوات‌الله‌علیه شدم. حضرت در خواب به من فرمودند: اگر این فرزند تو بماند شقی می‌شود. من به آقا عرض کردم: من نمی‌خواهم بچه‌ی شقی داشته باشم. صبح آن‌روز فرزندم از دنیا رفت.

واقع دین و عملکرد خدای متعال همین است که او مطیع من و شما نمی‌شود. خدای متعال متحد با اوصاف خود است، او حکیم است. ما باید دعا کنیم، شاید دعا یکی از عوامل استجاب باشد، شاید هم نباشد. مغز یک مسئله‌ی اعتقادی توحیدی در خداشناسی و توقع از حق تعالی با این فرمایش کوتاه امام عسگری صلوات‌الله‌علیه بیان می‌شود. اگر انسان این نکته را باور کند، به خود فشار نمی‌آورد و تنها در حد وظیفه کار می‌کند و به خانه برمی‌گردد. هرچه هم روزی او باشد به او خواهد رسید. انسان باید این‌گونه دین‌دار شود، یعنی از میزان‌ها دین‌داری و دین‌فهمی و خداشناسی را یاد بگیرد. با خواندن مناجات‌های معصومین صلوات‌الله‌علیهم اجمعین انسان پیشرفت سریعی در راه معنوی و مسیر الهی خواهد کرد.